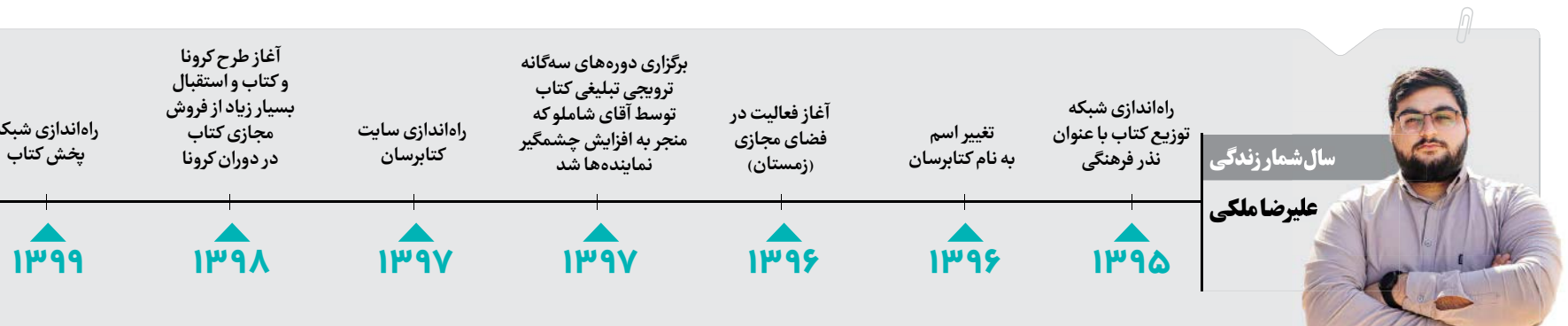




سال شمار زندگی

علیرضا ملکی



گفت‌وگو با علیرضا ملکی، مدیر مجموعه فرهنگی کتاببرسان مشهد که توفیقات زیادی در معرفی

تأمین کتاب از روستا تا ز

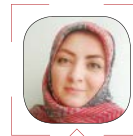
شد. کم‌کم درخواست‌هایی از شهرهای دیگر رسید که بوی توسعه و شکل‌گیری یک کسب و کار کتابی جدی را می‌داد.

نماینده‌های عاشق

با بزرگ شدن تدریجی کتاببرسان در سال ۹۶ و گسترش انبار و فضای فیزیکی و افزایش کتاب‌ها، بسیاری از افراد عشق کتاب در سراسر کشور ابراز تمایل کردند از الگوی کتاببرسان استفاده کرده و کتاب‌های خوب را معرفی و به فروش برسانند. این مساله و ذات مدل قابل تکثیر کتاببرسان باعث شد تا به سرعت نماینده‌هایی در نقاط مختلف کشور به فروش کتاب بپردازند. مثلاً دو خواهر در یکی از روستاهای بندرعباس طلاهای شان را فروختند و با خرید کتاب از ما کارشان را در گلزار شهدای بندرعباس شروع کردند. یا کارمندی در یکی از مناطق آموزش و پرورش قفسه‌ای از اتاق کارش را به فروش کتاب اختصاص داد. تا الان کتاببرسان بیش از ۲۰۰ نماینده در سراسر کشور دارد. نمایندگانی که به کتاب علاقه‌مند هستند، دغدغه دارند و از پس کار اجرایی برمی‌آیند.



اشاره: دروغ چرا؟ دلم می‌خواست حاج شیخ علی شاملو زنده بود و من شماره‌اش را که هنوز روی گوشی‌ام ذخیره است، می‌گرفتم و از او خواهش می‌کردم تا وقت مصاحبه بدهد. برای گفت‌وگو درباره مجموعه کتاببرسان. اما روزگار بازی‌های عجیبی با آدم‌ها دارد و گاه اتفاقاتی می‌افتد که اصلاً فکرش را نمی‌کنی. این بین یک چیز هست که کمی تلخی کامم را کم می‌کند: این‌که کتاببرسان پس از شاملو هم زنده است و نفس می‌کشد و به همت مدیر و کارکنان جوانش رشد می‌کند و بزرگ‌تر می‌شود. شماره علیرضا ملکی را می‌گیرم؛ مدیر جوان مجموعه منحصر به فرد کتاببرسان. قرار و مداری می‌گذاریم و درباره کتاببرسان حرف‌های خوبی می‌زنیم.



عطیه هراتی‌مطلق

روزنامه‌نگار

درباره علیرضا ملکی

دهه هفتادی است و قطعاً یکی از جوان‌ترین مدیران عرصه فرهنگی. اگر یک سال دیرتر به دنیا می‌آمد می‌شد دهه هشتادی. گرچه روحیه و انرژی و انگیزه‌اش چیزی از دهه هشتادی‌های جسور کم ندارد. درس‌خوان بوده تا آنجاکه در آزمون استعدادهای درخشان قبول شده و عضوی از خانواده سمپادی‌ها می‌شود. پدرش توی بازار در کار پخش مواد غذایی فعالیت می‌کرد و او هم از ۱۰ سالگی روزی چند ساعت در بازار کنار دست پدرش کار می‌کرد. سرنوشت غربی که کمی بعد‌تر این دانشجوی حقوق را از دنیای برنج و بنشن و روغن به دنیای کتاب پیوند می‌دهد.

قصه تولد کتاببرسان

نطفه کتاببرسان در سال ۹۵ شکل گرفت. دو کتاب (دختر شینا و سلام بر ابراهیم) سر و کله‌شان در فروشگاه کامپیوترفروشی آقای شاملو و آقای یاراحمدی پیدا شد. پس از خواندن این دو کتاب، این دو شریک احساس کردند که باید دیگران را هم به خواندن این دو کتاب دعوت کنند. چیزی نگذشت که در ویتترین فروشگاه در کنار قطعات کامپیوتر و سرور، چند جلد دختر شینا و سلام بر ابراهیم نیز جا خوش کرده و مشتریان فروشگاه را برای خرید جذب کرد. تجربه فروش این دو کتاب، تجربه شیرین و موفقی بود و باعث شد کتاب‌های دیگری نیز به آن قفسه‌ها راه پیدا کند؛ کتاب‌هایی که قبلاً خوانده شده و از نظر آقای شاملوارزش مطالعه داشتند. به تدریج حجم کتاب‌ها زیاد شد و یک نیرو برای قسمت فروش کتاب‌های خوب استخدام شد. کتاب‌هایی که همگی با ۲۵ درصد تخفیف فروش می‌رفتند. اواسط سال ۹۵ کتاببرسان سر و شکل رسمی‌تر و جدی‌تری پیدا کرد و در شبکه‌های مجازی نیز فعال

از نگاه دوست

علی صفوی شاملو هم

به نوعی «عین صاد» بود



محسن ذوالفقاری

نویسنده

سرچشمه توزیع کتاب را از مشهد جاری ساخت. از دو تا کوچه بغل خودشان بگیرد تا دورترین و محروم‌ترین روستاهای کشور. حتی قاره‌های دیگر. توزیع بین‌المللی، چشمه پرآب و وزلایی و خروشانی شد که رودهایش به نقطه نقطه کشور و جهان رسید. او به پای جریان‌سازی کتاببرسان عرق ریخت و خون دل‌ها خورد و زخم‌زبان‌ها شنید. بعضی سیاست‌هایش ضربه می‌زند به صنعت کتاب اما متواضعانه با روحیه انتقادپذیری‌اش در جلسات علیه خودش حاضر می‌شد. الحق و الانصاف هم بعضی سیاست‌های تخفیفی‌اش را تغییر داد. اما دست از ابتکارها و پشتکارهایش برنداشت و بازار کتاب را رقابتی کرد. کتاببرسان را که به سرانجام خوبی رساند و روی غلتک انداخت به جوانان بالیمان فعالی ایمان پیدا کرد و با اعتماد و اعتقاد همه اعتبارات و اختیارات مجموعه را تمام و کمال به آنها سپرد. ثمره‌اش هم دید و می‌بیند تا قیام قیامت. به صورت عملیاتی نیروسازی را به همه آموخت. نشان داد که تشکیلاتش محدود به شخص نیست که با رفتنش از هم بپاشد. بعد از این به صورت جدی‌تر و تخصصی‌تر با فراغ‌بال بازر به سمت و راه استادش علی صفایی فرار کرد. تدریس و ترویج آثار و اندیشه‌های او را اولویت اولش قرار داد. معتقد بود عین‌صاد در امر تربیت رودست ندارد. در این امر تمام تلاشش این بود کتاب‌های استاد را هرطور شده به دست اهلیش برساند. یک‌تنه کتاببرسانی عین‌صاد را غلغله را برداشته بود. از این دیار به آن دیار. از آن مدرسه به آن مدرسه. او چشمه‌های جاری زیادی در ذهنش در جریان و غلیان بود که حیف و صد حیف زود از میان‌مان رفت و ما را از وجود گوارایش محروم کرد. او رفت ولی راهش ادامه دارد و تربیت یافتگان‌ش صدقه جاریه‌ای خواهند بود تا این پیام بهشتی را متبلور کنند که کار تشکیلاتی با تربیت و خودسازی و دیگر سازی عین و ممزوج است. اگر چنین باشد همیشه ماندگار است و در حال زایش.

کتاب‌های پر فروش کتاببرسان

مجموعه فرهنگی کتاببرسان برای کتاب‌هایی که در درگاه خود به فروش می‌رساند، حساسیت ویژه‌ای دارد و وقتی کتابی در این مجموعه پرفروش می‌شود یعنی به راحتی می‌شود به آن اعتماد کرد. حالا هفت عنوان از پرفروش‌های کتاببرسان را برای تان انتخاب کرده‌ایم که از خواندن‌شان پشیمان نمی‌شوید.

۱



تفکر /
محی‌الدین
حائری شیرازی /
نشر معارف

۲



کهکشان نیستی /
محمد هادی
اصفهانی
فیض فرزانه

۳



ویولون زن روی
پل / خسرو
باباخانی /
جام جم